صحیفة اللّه المهیمن القیّوم

بسمی المشرق من افق البلآء

این ایّام الف قائمه که از قیامش عالم قیام نموده نوحه مینماید و هاء مسکین از دو چشم میگرید و حالت باء از ذکر خارج ما اطّلع علی اسرار اللّه الّا نفسه اوست عالم و دانا و قادر و توانا معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام وجوه نازل مع‌ذلک هر یک را بغافلی نسبت داده‌اند نفسی که لعمر اللّه از ادراک آیات الهی عاجز و قاصر است باو نسبت داده و میدهند مباهله در ارض سرّ امام وجوه کلّ ظاهر آن را انکار نموده‌اند جمعی از هر قبیل از داخل و خارج در آن یوم حاضر امر بمثابۀ آفتاب مشرق و لائح مع‌ذلک بحجبات اوهام آن را ستر نموده‌اند

 یا حیدر علیک بهائی و عنایتی یحیی مع هفتاد نفر در سفر همراه بوده ببعضی نوشته و حضور خود را انکار کرده و متوهّمین قبول نموده‌اند بر قدم شیعۀ شنیعه مشی نموده و مینمایند ذرهم فی ضلالتهم و اوهامهم سبحان‌اللّه از قبل گفته‌اند بنت رسول اللّه روح ما سواه فداه در بیت عثمان نبوده یکی از اجنّه بهیئت او ظاهر و با عثمان بوده اگر نفسی سؤال نماید آن ورقۀ مبارکه چه شده و کجا رفته فبهت الّذی کفر علمای قبل و بعد آن حزب چه در قبور خاک و چه در قبور نفس و هوی کلّ منتظرند که موعود از مقامهای موهومه ظاهر شود اینست شأن آن عباد غافل بسیار حیف است انسان معبود و یا مقصود امثال آن قوم واقع شود

 نامه‌های شما هر هنگام رسید بعضی جواب بتفصیل از سماء بیان مقصود عالمیان نازل و برخی در عهدهٴ تأخیر ماند الأمر بیده با یفعل ما یشآء چه میتوان گفت در هر حال تسلیم و رضا محبوب بوده و هست

 ذکر نفوس موقنهٴ در قمصر را نموده‌اند هر یک بذکر فائز و بآثار قلم اعلی مفتخر این ذکر را اذکار عالم معادله ننماید انّا نکبّر من هذا المقام علی وجوههم و نذکّرهم بآیاتی و نبشّرهم بعنایتی و نوصیهم بالاستقامة الکبری و بالأمانة الّتی جعلها اللّه شمس الأعمال

 یا حیدر علیک بهآء اللّه مالک القدر در یکی از الواح این کلمۀ علیا بلسان پارسی نازل ناصح امین میفرماید یا اولیآء اللّه تمسّک نمائید بآنچه سبب ارتفاع کلمه و علّت انتشار امر است امروز نصرت بجنود اعمال و اخلاق مقرّر گشته و از قلم اعلی در زبر و الواح ثبت شده هذه من سنّة اللّه فی هذا الظّهور الأعظم و لن تجد لسنّته تبدیلاً و لا تحویلاً هذا حکم جعله اللّه محفوظاً من کلمة یمحو اللّه ما یشآء و مزیّناً بطراز یثبت و عنده امّ الکتاب طوبی از برای نفسی که باین حکم محکم تمسّک نمود و بصر و سمع و لسان و قلب را از آنچه نهی شده محفوظ داشت قل یا قوم لعمر اللّه بصر از برای مشاهدۀ آثار و لسان از برای اذکار و سمع از برای اصغا و قلب از برای اقبال خلق شده اعرفوا و لا تکونوا من الغافلین قدر ایّام الهی را بدانید لعمر اللّه مثل آن دیده نشده و از عدم بوجود نیامده

 و همچنین اولیای ارض کاف را ذکر نمودند نشهد انّهم فازوا بعرفانی و نطقوا بثنائی و اقبلوا الی افقی نسأل اللّه ان یمدّهم بجنود الغیب و الشّهادة و یؤیّدهم علی الاستقامة و یقرّبهم الیه فی الدّنیا و الآخرة انّه هو الغفور الرّحیم کبّر من قبل المظلوم علیهم و بشّرهم بما انزل لهم فی هذا الحین المبین

 جناب امین علیه بهائی و عنایتی در هر کرّه ذکر شما را نموده و طلب مدد و عنایت و رحمت کرده للّه الحمد آن جناب فائزند بآنچه که عرف رضا از آن متضوّع و هم‌چنین ذکر حزب اللّه را در دولت‌آباد نموده‌اند مکرّر ذکر ایشان از قلم جاری اسامی مذکوره هر یک بذکر و توجّه مظلوم فائز نسأل اللّه تعالی ان یوفّقهم و یؤیّدهم علی ما یحبّ و یرضی و یجعلهم من الّذین ما منعتهم شبهات العمائم و اشارات الّذین کفروا بیوم الدّین

 یا حیدر معرضین بیان تفکّر ننموده‌اند که در قرون و اعصار قبل بچه تمسّک نموده‌اند و جزا در یوم جزا چه بود قد خسر الّذین کذّبوا بأیّام اللّه و اعرضوا عن الحقّ بما اتّبعوا کلّ مشرک بعید خاصّه مجدّد این قوم بی‌وفا متابعت هادی دولت‌آبادی و باقر اصفهانی که در ارض طاء موجود است نموده‌اند مع آنکه این دو غافل از اصل امر بی‌خبر و محجوبند ایکاش بمثل خودی تمسّک مینمودند و خلق بیچاره را بخود میگذاشتند بگو یا هادی اتّق اللّه و لا تستر الأمر و لا تتمسّک بما تشتهیه نفسک ستر مکن جزیره رفتی و دیدی بر خود مشتبه منما ریاست منعت ننماید خرق کن حجاب غفلت را و بعضد یقین صنم وهم را بشکن قسم بآفتاب حقیقت که از اعلی افق عالم اشراق نموده لوجه اللّه میگویم تو آگاه نیستی در قبل تفکّر نما که راوی وجود قائم یکی از اناث بوده چند نفر از اهل عمائم با او اتّفاق نموده جعفر را تکذیب نمودند و ناحیۀ مقدّسه و جابلقا و جابلصا ترتیب دادند و ناس بیچاره را از نفحات وحی ربّانی در ایّام الهی محروم نمودند طوبی از برای نفوسی که از جمیع جهات منقطع و بافق اعلی وحده توجّه نموده‌اند ایشانند مظاهر تقوی و مشارق امانت و صدق و وفا

 یا حیدر قبل علی امر این مظلوم عظیم است چه که نه با امرا مداهنه نمود و نه با علما حقّ و امرش را ستر نفرمود در سجن اعظم ظاهراً باهراً اظهار داشت آنچه را که مخالف نفس و هوای اهل ارض است الّا من نبذ ما سوی اللّه و اخذ ما امر به من لدن علیم حکیم

 ذکر جناب اشرف علیه بهائی و عنایتی را نمودی در آخر لوح او را ذکر مینمائیم جناب افنان الّذی یطوف حولی نامۀ ایشان را بحضور فرستاد آن نامه که در جواب احمد غافل نوشته بود مکرّر از قبل و بعد باصغا فائز طوبی له و نعیماً له قد نطق بالحقّ یشهد بذلک اهل مدائن العدل و الانصاف و اهل الجبروت و الملکوت نسأل اللّه ان یوفّقه فی کلّ الأحوال و به یفتح ابواب القلوب انّه هو المقتدر المهیمن القیّوم کبّر من قبلی علی وجهه و علی ابنه الّذی سمّی بالحسین فی کتاب اللّه ربّ العالمین یا ایّها الطّائر فی هوائی دوستان را فرداً فرداً از قبل مظلوم تکبیر برسان و بفضل و عنایت و رحمت حقّ بشارت ده انّه هو الفضّال الکریم و هو الغفور الرّحیم البهآء المشرق من افق سمآء فضلی علیک و علی الّذین سمعوا النّدآء و اقبلوا الی الأفق الأعلی بوجوه بیضآء و قلوب نورآء الا انّهم من المخلصین فی کتاب الله العزیز العظیم

 یا حیدر قبل علی مرّة اخری صریر قلم اعلی را بشنو انّه یجذب القلوب و ینوّرها بنور معرفة الله ربّ العالمین کن مبشّراً باسمی و ناطقاً بین عبادی بذکری الحکیم اشهد انّک فزت بعرفان الله و تبلیغ امره و ظهر منک ما انجذبت به افئدة المقبلین قد حضر کتابک الّذی ارسلته الی اسم الجود و عرضه العبد الحاضر لدی الوجه اجبناک بما ینادی بین السّموات و الأرضین تالله قد اتی سلطان البیان و منزله و مرسله انّه هو احکم الحاکمین طوبی لعبد ما منعه المعرضون عن الاقبال الی الفرد الخبیر و طوبی لعبد نبذ العالم متمسّکاً بتوحید الله ربّ العرش العظیم انّا انزلنا لک ما ﻻ یحصیه احد اشکر ربّک بهذا الفضل المبین و امّا ما ذکرت عباد الله فی الطّآء و الرّآء نسأل الله ان یؤیّدهم علی ما یحبّ و یرضی و یجعلهم من الّذین ما منعتهم مفتریات العلمآء عن التّوجّه الی الله العزیز الحمید نبذوا ما عندهم و اخذوا ما امروا به فی کتاب الله المقتدر القدیر

 یا اهل طار بشنوید ندای مظلوم را قسم بآفتاب حقیقت لوجه الله نطق مینماید وارد شد بر او آنچه که بر احدی وارد نه بلایای ارض را فی سبیل الله لأجل نجات عالم و تهذیب امم قبول نمود آنی خود را ستر ننمود و بأعلی النّدآء امر الله را من غیر ستر و حجاب بر کلّ عرضه داشت بعضی قبول نمودند و برخی نظر باوهامات حزب قبل از صراط لغزیدند از قبل مظلوم عباد را تکبیر برسان بگو

 یا قوم اگر اهل بیانید جوهرش این کلمۀ علیاست که از لسان نقطۀ اولی روح ما سواه فداه جاری و نازل شده میفرماید و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انّه لا یستشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان و اگر اهل فرقانید میفرماید ان اخرج القوم من الظّلمات الی النّور و ذکّرهم بأیّام اللّه و اگر اهل بصرید منظر اکبر بمثابۀ آفتاب مشرق و لائح و سدره باثمار لاتحصی امام وجوه ظاهر و مرتفع و بحر بامواج برهان مشهود بشنوید ندای ناصح امین را و بمثابۀ حزب قبل خود را از معرفة اللّه و توحید حقیقی محروم منمائید سالها یا حقّ گفتند و چون از افق عالم ظاهر و مشرق بر اطفاء نورش کمر بستند و بر ضرّش قیام نمودند و بالأخره بنار بغضا و سیف جفا شهیدش کردند سبب و علّت علمای حزب قبل بوده و هستند چنانچه مشاهده نموده و مینمائید عمل نمودند آنچه را که هیچ ظالمی عمل ننمود از بر و تقوی گذشتند و بنفس و هوی مشغول نیّر عدل و انصاف از ظلم آن نفوس خلف حجاب غلیظ مبتلا از حقّ میطلبیم عالم را بتجلّیات انوار نیّر عدل منوّر فرماید

 ذکر جناب غلامعلی علیه بهائی مذکور طوبی له و لابنه ذکّرهما بما نزل من قلمی و بشّرهما برحمتی و عنایتی نسأل اللّه ان یؤیّد الغلام علی خرق حجبات اوهام الأنام و یجعله من الّذین نصروا امر الله ربّ الکرسیّ الرّفیع چندی قبل نامۀ او که باسمی مهدی علیه بهائی نوشته بود در ساحت اقدس حاضر و بلحاظ عنایت فائز للّه الحمد عرف خضوع و خشوع و استقامت از هر کلمه‌ئی از کلماتش متضوّع انّا ذکرناه فی الواح شتّی و ایّدناه علی الحضور و قرّبناه الی مقام کان امل المخلصین و المقرّبین از حقّ میطلبیم او را تأیید فرماید بشأنی که در لیالی و ایّام بخدمت مشغول باشد نشهد انّه خلق لذلک

 یا حیدر قبل علی انّا امضینا ما ذکرته فی الضّیافة انّه هو الفیّاض الکریم و نذکر الصّاد علیه بهائی و عنایتی الّذی فاز بما کان مسطوراً فی صحف اللّه للّه الحمد در سجن اعظم مذکورند و بعنایت فائز نسأل اللّه ان یرفعه باسمه و یجعله ذکراً بین عباده انّه هو المقتدر القدیر این ایّام نامه‌های ایشان هم رسید انشآءاللّه جواب ارسال میشود لیفرح و یکون من الشّاکرین اهل بیت در جمیع مقامات عالیه و جنّات مرتفعه مذکور بوده و هستند طوبی لهم و ویل للغافلین

 یا حیدر قبل علی امانت باید باو راجع شود هذا ما حکم به المظلوم من قبل و فی هذا الحین اسمع و کن من العاملین ذکر ابناء خلیل و ابناء زردشت علیهم بهآء اللّه و عنایته را در ارض ک نمودید که بهدایت نفسین محمّد و حسین علیهما بهآء اللّه و رحمته فائز گشته‌اند و بشطر سجن اقبال کرده‌اند طوبی لهما و نعیماً لهما قد فازا ما امرا به فی الزّبر و الألواح بشّرهما ثمّ الّذین آمنوا بذکر المظلوم و اقباله الیهم لیفرحوا و یکونوا من الّذین طاروا بأجنحة الاشتیاق فی هوآء محبّة اللّه مالک یوم الدّین

 یا حیدر قبل علی بعضی از آن نفوس للّه الحمد بنور عرفان منوّرند و بامر اللّه متمسّک و برخی صاحب دو وجهند انّ ربّک یعلم و یستر و هو السّتّار الغفور الرّحیم

 انّا نذکر من سمّی بآقا بابا و نسأل اللّه ان یجعله من الّذین آثروا احبّآء اللّه علی انفسهم و عملوا ما امروا به فی الکتاب امراً من لدن علیم حکیم انشآءاللّه مؤیّد شود بر آنچه سبب اعلاء کلمة اللّه است اگر مالک بود جمیع عالم را و در راه دوست انفاق مینمود باین کلمات منزلات معادله نمیکرد له ان یشکر اللّه ربّه فی العشیّ و الاشراق و فی البکور و الأصیل

 اولیای مازگان را از قبل مظلوم تکبیر برسان انّا ذکرناهم من قبل بذکر لا یفنی و لا ینفد کبّر علیهم من قبلی و بشّرهم بآیاتی و فضلی و رحمتی نسأل اللّه ان یمدّهم و یؤیّدهم علی الاستقامة الکبری انّه علی کلّ شیء قدیر

 و نذکر من سمّی بملّا میرزا و الّذین آمنوا باللّه الفرد الخبیر طوبی لمن طهّر نفسه بمآء الانقطاع و زیّن رأسه باکلیل التّقوی و قام علی تبلیغ الأمر بالحکمة و البیان لعمری انّه من اهل البهآء فی قیّوم الأسمآء الّذی نزل فی هذا الذّکر العظیم و الأمر المحکم المتین نسأله تعالی ان یکتب له اجر من قام امام الوجه لینفق ایّامه فی ذکر ربّه و یکون من الفائزین

 یا مشهدی حسن ذکرک من احبّنی و فاز بذکری و خدمتی و لقائی علیه بهائی و علی الّذین اعترفوا بما نطق به جمال القدم فی هذا المنظر المنیر یا مشهدی حسن اسمع ندآء المظلوم انّه ظهر باسمه القیّوم و نطق بین العباد بما امر به من لدی اللّه فاطر الأرضین و السّموات افرح بذکری ایّاک و قل

 لک الحمد یا مقصود العالم بما ذکرتنی اذ کنت فی اخرب البلاد اسألک ان تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و الاستقامه علی امرک الّذی به احترقت افئدة الأشرار

 یا حیدر قبل علی اولیای هر ارض را از قبل مظلوم تکبیر و سلام برسان بعنایتش مسرور دار و بنور امرش منوّر انّه مع اولیائه اینما کانوا یشهد بذلک لسانی و قلمی و الّذین طافوا عرش اللّه الأعظم انّ ربّک هو الغفور الرّحیم و البهآء من لدنّا مرّة اخری علیک و علی من یسمع قولک فی امر اللّه العزیز الحمید

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر